



۹ روز پس از فینال برلین ..... ۲۴



سقوط حقیقی یووه ..... ۲۴



دکتر نبود، طلا پرید ..... ۲۵



باشگاه‌ها همچنان مشتری مری خارجی ۲۶



## خبر آخر

**مایلی کهن سرمربی فولاد**

اینا:
براساس سیاست‌های کلان باشگاه، سرمربی فصل آینده حتماً باید ایرانی باشد و برای این منظور مایلی کهن گزینه اصلی برای هدایت فولاد در فصل آینده است.
مسعود رضائیان مدیرعامل باشگاه فولاد خوزستان ضمن بیان مطلب فوق گفت: «طی جلسه‌ای که با مدیران تیم‌های صنعتی با مهندس هراتی معاون وزیر داشتیم قرار شد که هزینه‌ها را کاهش دهیم، بازیکن بومی جذب کنیم و سرمربی تیم نیز حتماً ایرانی باشد. ما هم به منظور اجرای دستورالعمل تمام این موارد را انجام داده‌ایم.
نناد نیکولیچ سرمربی فصل گذشته ما در بحث آموزشی در باشگاه مشغول به کار خواهد شد و طی امروز یا فردا سرمربی جدید و ایرانی خودمان را معرفی می‌کنیم.»
او ادامه داد: «محمد مایلی کهن اصلی‌ترین و نزدیک‌ترین گزینه برای مربیگری فولاداست که مذاکراتی با وی نیز انجام داده‌ایم ولی همه چیز به طور قطعی طی چند روز آینده مشخص خواهد شد.»
خبر آخر این است که تا یکی دو روز آینده مایلی کهن فولاد را در اختیار خواهد گرفت.

## شکایت ابراهیمی و کماسی از پرسپولیس

**ایرانپوز:** ناصر ابراهیمی و پرویز کماسی دیروز با حضور در محل فدراسیون فوتبال رسماً از باشگاه پرسپولیس شکایت کردند. ناصر ابراهیمی و کماسی مری و بدنساز سابق تیم فوتبال پرسپولیس که امروز را به عنوان آخرین مهلت برای باشگاه تعیین کرده بودند تا مطالباتشان را دریافت کنند با داریوش مصطفوی دیدار و گفت‌وگو کردند. ابراهیمی و کماسی که می‌گویند هنوز یک ریال هم از باشگاه دریافت نکرده‌اند، متن شکایت خود را به مصطفوی تحویل دادند و قرار است که این شکایت در سازمان لیگ بررسی شود. ابراهیمی در این باره گفت: از اول اسفند به باشگاه فرصت دادیم تا حقوق ما را پرداخت کنند اما هنوز یک ریال هم دریافت نکرده‌ایم. وی ادامه داد: ما حتی بخشی از حق خود را بخشیدیم اما این با وجود باشگاه کوچکترین توجهی به ما ندارد. ابراهیمی گفت: من فکر می‌کردم که آقای انصاری فرد با ما به نوعی دیگر رفتار کند اما با وجود اینکه چند ماه صبر کردیم به خواسته ما کوچکترین توجهی نشد. مربیی سابق سرخپوشان خاطر نشان کرد: اگر فدراسیون فوتبال به شکایت ما رسیدگی نکند، به فیفا شکایت می‌کنیم.

## رویارویی ایران و اسپانیا در فوتسال

**ایرنا:** تیم ملی فوتسال ایران دی‌ماه امسال در دو دیدار دوستانه به مصاف تیم ملی اسپانیا (قهرمان جهان) می‌رود. دبیر کمیته فوتسال فدراسیون فوتبال گفت: «این کمیته دو ماه قبل با ارسال نمابری، پیشنهاد برگزاری یک دیدار دوستانه را به کمیته فوتسال اسپانیا داد.»
«مهدی خراتی» ادامه داد: «کمیته فوتسال اسپانیا روز دوشنبه موافقت خود را برای برگزاری دو دیدار دوستانه در این کشور اعلام کرد. در صورت موافقت فدراسیون فوتبال این دو دیدار دوستانه در روزهای ۲۷ و ۲۸ دسامبر امسال برگزار خواهد شد.»

**آرش راهبر:**
برانکو در تدارک سفر به تهران است.

سفری که پس از غیبت او به هنگام بازگشت تیم ملی از جام جهانی، با درصـد قریب به یقین آخرین حضور کروات ۵۲ساله در ایران خواهد بود. طبق خبرهای قبلی برانکو احتمالاً امروز و فردا به تهران می‌رسد، اگر چه شنیده می‌شود به واسطه بیماری پدرش، او این روزها در بوسنی دلمشغولی مهمتری دارد. هدف برانکو از این سفر تسویه حساب با فدراسیون فوتبال و مشخص کردن تکلیف قراردادی است که تا اوایل آبان‌ماه تاریخ مصرف دارد و به هر حال چاره‌ای نیست جز اینکه فسخ شود. با خداحافظی اجباری برانکو که هنوز جو منفی داخلی بر علیه‌اش مثل روزهای شکست در جام جهانی پرتب و تاب است، احتمالاً پرونده حضور مربیان خارجی و به ویژه کروات را روی نیمکت ایران یکی دو سالی به پایگانی خواهد رفت.
اتفاقی که به طور مستقیم به نتیجه نهایی چهار سال کار مداوم برانکو که با ناکامی در جام جهانی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد، مرتبط است. کسی که درباره‌اش می‌گویند، نه از جسارت و شجاعت یک مربی بزرگ برخوردار بود و نه مثل بلاژوویچ می‌توانست حداقل در ظاهر محبوب افکار عمومی باشد.

## میلاد صدرعاملی که پسر کارگردان مشهور سینما

رسول‌صدرعاملی است به کمک گروه جمع و جورش اطلاعات جالبی از برانکو و شخصیت درونی و بیرونی‌اش تهیه کرده‌اند. یک فیلم حدوداً صد دقیقه‌ای که اگر بدشانسی نیاورد، به عنوان اولین فیلم بلند میلاد مجوز اکران نیز خواهد گرفت و متفاوت‌ترین فیلم ورزشی این چند سال نیز لقب خواهد گرفت. اگر در فوتبالبست‌ها علی پروین و در مثلث آبی جواد زرینچه نقش اول را ایفا می‌کردند، اینجا داستان حول و حوش زندگی برانکو در تهران می‌چرخد. خود میلاد می‌گوید: «روی ایده این فیلم حدود یک سالی فکر کردیم. البته ما قبلاً در جام جهانی ۲۰۰۲ هم فیلم کوتاهی ساخته بودیم که بیشتر حالت گزارشی داشت.»
«اگر بدشانسی نیاورد، به عنوان اولین فیلم بلند میلاد مجوز اکران نیز خواهد گرفت و متفاوت‌ترین فیلم ورزشی این چند سال نیز لقب خواهد گرفت. اگر در فوتبالبست‌ها علی پروین و در مثلث آبی جواد زرینچه نقش اول را ایفا می‌کردند، اینجا داستان حول و حوش زندگی برانکو در تهران می‌چرخد. خود میلاد می‌گوید: «روی ایده این فیلم حدود یک سالی فکر کردیم. البته ما قبلاً در جام جهانی ۲۰۰۲ هم فیلم کوتاهی ساخته بودیم که بیشتر حالت گزارشی داشت.»
«با این وجود آن فیلم به رغم تاثیرگذاری‌اش، تاریخ مصرف داشت و بیشتر به بازی‌های تیم ملی در مقدماتی جام جهانی ۲۰۰۲ می‌پرداخت.»
«تجربه خوبی بود. دوست داشتم این بار کاری کنم که تاریخ مصرف نداشته باشد. پس سراغ یک مربی خارجی رفتم که تصادفاً مربی تیم ملی هم بود. برای من فوتبال خیلی جذابیت داشت که می‌تواند فرهنگ‌ها را دور هم جمع کند.»
جرقه اولیه هم درست زمانی زده شد که همایون شاهرخی روزهای پرحاشیه‌ای را با تیم ملی سپری می‌کرد و همه حتی منتقدان فدراسیون هم موافق استفاده دوباره برانکو بودند. «فکر کنم پانیز ۸۳ بود. روزنامه‌ها اصرار می‌کردند دوباره برانکو را بیاورند.

از آن به بعد دیگر فقط به این فکر می‌کردم که چگونه وارد زندگی اش شوم؟»
بلاژوویچ قبلاً با روی خوش به پیشنهاد میلاد پاسخ مثبت داده بود، اما این دلیل نمی‌شد که آنها به جواب برانکو هم خوشبین باشند. «روزی که رفته بودم برانکو را برای اولین بار ببینم، دقیقاً یادم هست. آن روز بازیکنان لیگی تمرین

داشتند و من مسیر دفتر تا کمپ تیم ملی را در استرس این بودم که شاید بگوید وقت ندارم و به من جواب منفی بدهد. اما موافقت کرد.»
البته از شناس خوش گروهِ آنها برانکو حسایی سرحال بود و خودش را برای تعطیلات ژانویه آماده می‌کرد.

میلاد عقیده دارد باید از ورزش در بهترین جایب استفاده کرد.»
نمونه‌اش فیلم گل جان هیوستن است که یک فیلم انسانی است و شخصیت اولش را یک مهاجر مکزیکی بازی می‌کند که در آمریکا زندگی می‌کند و بعداً بازیکن شماره یک نیوکاسل می‌شود. با این اوصاف ما هم تصمیم گرفتیم بعد دیگری از فوتبال را نشان دهیم که هیچ کس به آن توجه نمی‌کند.»
این خصیصه را اضافه کنید به صدافتنی که میلاد برای تاثیرگذاری فیلمش ضروری می‌داند. این هدف اول او است که حتی برای خیلی از سنینمای‌ها هم جالب توجه می‌شود و آنها را نیز وارد ماجرا می‌کند.»
با حبیب رضایی، سروش صحت و آقای پرتوی صحبت کردیم. ایده‌های خوبی به ما دادند. همین‌طور با مسعود کیمیایی و فریدون جیرانی. همه‌شان درباره فیلم شنیده بودند ولی وقتی داستان فیلم را تعریف می‌کردم، واکنش‌ها تغییر می‌کرد و همه را به وجد می‌آورد.»

## اما درباره خط داستانی فیلم و نقش‌های اصلی.

برانکو به عنوان غریبه‌ای آشنا در تهران که یک تبعه خارجی نیز محسوب می‌شود، بار اصلی فیلم را به دوش می‌کشد و نقش روبه‌روی که می‌بایست به موازات برانکو، در فیلم پیش رود، لاله صدیق قهرمان زن ایرانی فرمول ۳۰۰ است که البته بعدتر گروه را به این نتیجه می‌رساند که انتخاب مناسبی نیست. «کار خوب پیش می‌رفت. برخورد‌ها هم خوب بود. فدراسیون فوتبال نیز حسایی هوای ما را داشت. ولی احساس می‌کردیم بهتر

است از این به بعد فقط با برانکو ادامه دهیم.»
مشابه این وضعیت درباره بی‌توجهی به اتفاقات پیرامونی هم تکرار می‌شود. جایی که باخت و برد احتمالی تیم ملی در جام جهانی بی‌تاثیر بود و نهایتاً با شگفتی سازی در آلمان ده پانزده درصد جزئیات را تغییر می‌داد.

## رضا چلنگر پا به پای برانکو در فیلم دیده می‌شود.

و این درحالی است که از بازیکنان تیم ملی و ستاره‌هایش خبری نیست. حضور آنها مثل تماشاگران و مردم عادی و البته خبرنگاران به نسبت نیاز است و صحنه‌هایی که خواسته یا ناخواسته باید از آنها استفاده شود. «یک مصاحبه طولانی دو ساعته با برانکو داشتیم که در لابه لای فیلم از آن استفاده می‌شود. حالا اینکه آدم دیگری به جای برانکو حرف بزند و یا حرف‌های او زیرنویس شود، هنوز مشخص نیست، ولی احتمالاً حرف‌هایش را زیرنویس کنیم با دیالوگی ساده‌تر.»
و درباره خبرنگاران «مشکلات برانکو با روزنامه‌نگاران قطب منفی فیلم است. البته نه به این معنی که روزنامه‌نگارها آدم بدی هستند. مثلاً در مراسم خداحافظی برانکو در کنفرانس خبری بگو مگوی او با یک خبرنگار دادبندی و تاثیرگذار شد.»

## اما در کنار خود برانکو خانواده‌اش نیز نقش غریقالی دارند.

بعد از انتخاب امیر قلعه‌نویی به عنوان سرمربی تیم ملی ایران عملاً قرارداد برانکو با فدراسیون پایان یافته بود. برانکو ایوانکوویچ برای تسویه حساب با فدراسیون فوتبال به ایران می‌آید. البته شایعاتی هم به گوش می‌رسد که به جای «پروفسور» ممکن است وکیل وی به ایران بیاید و کار را تمام کند. با این حال اگر برانکو به تهران بازگردد ممکن است آخرین سکانس‌های فیلم هم فیلمبرداری شود. در واقع این شناس بزرگی برای گروه سازنده فیلم است که بتوانند از صحنه جمع کردن بار و بنדیل و بستن چمدان برانکو فیلم بگیرند و نماهای جذابی را برای پایان‌بندی فیلم در اختیار تدوینگر قرار دهند. صحنه‌هایی که قطعاً احساسی از آب درخواهد آمد و شاید برانکوی خونسرد هم کمی احساساتی شود. در مورد نام فیلم اگرچه بحث‌ها هنوز ادامه دارد اما ظاهراً یک پیشنهاد بهتر نسبت به «تهران اتاق ۴۰۱» هم هست. در آخرین روزهای فیلمبرداری کارگردان و بقیه عوامل سازنده دلشان برای برانکو تنگ شده و زیاد به او فکر کرده‌اند و شاید به همین دلیل نام جدید فیلم شده است: «خیلی به تو فکر می‌کنم.»

برای دیدن فیلم صبر کنید. برانکو ایوانکوویچ که اینجا هم «خودش» را خوب بازی کرده، در معرض نگاهی جدید قرار خواهد داشت. اینکه برانکو بعد از فرونشستن تب جام جهانی و نتایج ناامیدکننده ایران دوباره محبوبیت گذشته را به‌دست خواهد آورد یا نه سؤالی است که بعد از گذشت زمان و تماشای فیلم مشخص می‌شود.

## دقیقه صفر

## چند کلمه با داریوش خان

**پژمان نوزاد – آمریکا**

آخرین بار ده سال پیش بود که همدیگر را دیدیم. من نتایج آخرین تحقیقات پروفسور بنگز بو را با خودم به ایران آورده بودم و در دیداری که در فدراسیون فوتبال داشتیم قرار شد تا این گزارش در اختیار مربیان ایرانی قرار بگیرد.

مدتی گذشت. هیچ خبری نشد و تحقیقات پروفسور بنگز بو– مثل خیلی از کتاب‌ها، مقالات و تحقیقات علمی دیگر– در گوشه‌ای از کمیته آموزش فدراسیون فوتبال خاک خورد.

در آن گزارش آمده بود که تست کوپه ملاک قابل اطمینانی برای سنجش توانایی‌های بدنی بازیکنان فوتبال نیست. پروفسور بنگز بو– پدر علم فوتبال و استاد دانشگاه کپنهاگ دانمارک– نوع جدیدی از تست‌های قدرتی بدنی متکی بر رفت و برگشت‌های متوالی را به دنیا معرفی کرد که امروزه مورد استفاده بیشترین تیم‌های دنیا قرار می‌گیرد. داریوش خان آیا می‌دانید تیم‌های فوتبال ایران و مربیان ما امروزه از بازیکنان خود چه نوع تستی می‌گیرند؟

## یک سال بعد از آن ملاقات از من– و به پیشنهاد اردشیر لارودی– خواستید تا دکتر بیلاردو را متقاعد کنم رهبری تیم ملی ایران در جام جهانی ۹۸ فرانسه را برعهده بگیرد.

صحبت‌های تلفنی شما با بوئتوس آیرس نتیجه داد. دکتر بیلاردو قبول کرد مربی ایران شود اما به یک‌باره همه چیز عوض شد. شما رفتید و دکتر بیلاردو هرگز به ایران نیامد.

داریوش خان آن روزها دوست داشتید همه امور جاری فوتبال ایران را یک‌تنه انجام دهید. می‌خواستید حرف اول و آخر را خودتان بزنید. چوبش را هم خوردید. اما امروز می‌شوم که در گفتمان‌تان سخن از (خرد جمعی) به میان می‌آورید.

اگر آنچه می‌گویند نشانی از دگراندیشی داریوش مصطفوی دهه ۸۰ دارد، که بسم‌الله این گوی و این میدان وگرنه قصه آن سال‌ها دوباره تکرار می‌شود اما این بار کوتاه‌تر.

داریوش خان مربی تیم ملی را نباید شما انتخاب کنید و نه سازمان تربیت بدنی.

مربی تیم ملی هر کشوری– کشور صاحب سبک فوتبال– را کمیته فنی فوتبال آن کشور انتخاب می‌کند. کمیته‌ای که تشکیل شده از زبده‌ترین، متخصص‌ترین و آگاه‌ترین مردان فوتبال یک کشور. این کمیته وظیفه دارد ضمن نظارت جامع بر کلیه‌امور فنی فوتبال، مربیان تیم‌های ملی را انتخاب و بر عملکرد آنها نظارت کند. آیا در فوتبال ایران چنین کمیته‌ای وجود دارد؟ آیا برای انتخاب مردان این کمیته نهایت سلیقه و سنجنگیری را به خرج می‌دهید؟

داریوش خان بعد از بازی با مکزیک در مرکز خبرنگاران ورزشگاه تونبرگ با مایکل چرچ نویسنده مشهور فوتبال آسیا گپ می‌زد. مایکل چرچ اعتقاد داشت و دارد که کمتر کشوری مانند ایران در دنیا وجود دارد که اینچنین استعدادهای نابی در فوتبال داشته باشد. او می‌گفت اگر فوتبال ایران بتواند از سیستم آموزش مربیان فوتبال در ژاپن کپی‌برداری کند، ایران در ۱۰ سال آینده به یکی از قدرت‌های برتر جهان بدل می‌شود.

داریوش خان مایکل چرچ نان قرض نمی‌داد، واقعیت را می‌گفت. فوتبال ما در همه سال‌های گذشته کمترین توجه را به فوتبال بومی و پرورش مربیان کارآزموده ایرانی داشته است. این کمبود– نداشتن مردان متخصص برای آموزش دادن به یکی از ناب‌ترین گنجینه‌های استعداد فوتبال جهان یعنی ایران– حرکت رو به رشد فوتبال این مرز و بوم را کند کرده است. داریوش خان اگر حضور بازیکنان درجه دهم آمریکای جنوبی و پس‌مانده‌های فوتبال آفریقا در لیگ ایران و نقل و انتقالات اخیر دو تیم پرسپولیس و استقلال فاجعه نیست، پس چیست؟

حالا که اقتصاد فوتبال ایران مجال به خدمت گرفتن مردان زبده فوتبال جهان را نمی‌دهد، چه اصراری داریم از بازیکنان درجه چندم خارجی استفاده کنیم؟ بازیکنانی که اگر تا بیست سال دیگر همه را روی هم بگذاریم از توی‌شان یک آندرانیک تیموریان در نمی‌آید.

آیا این چند میلیون دلاری که هر سال باشگاه‌های ایران به پای بازیکنان خارجی می‌ریزند، نمی‌تواند خرج تأسیس مدارس و آکادمی‌های حرفه‌ای فوتبال شود تا پای باشگاه‌هایی چون منچستر یونایتد، آژاکس و رئال مادرید به فوتبال ایران باز شود؟ اگر ورود بازیکنان خارجی به لیگ ایران ممنوع شود چه زبانی– به جز پورسانت نگرفتن عده‌ای محدود– به فوتبال ایران وارد می‌شود؟

داریوش خان دو روز قبل از دیدار آرژانتین– آلمان، کلینزمن تمرین تیم ملی آلمان را تعطیل کرد و از سرمربی تیم ملی تیراندازی کشورش دعوت کرد تا چند ساعت و به طور جدی با ملی پوشان فوتبال آلمان تیراندازی با کمان را تمرین کند.

کلینزمن می‌خواست قدرت تمرکز بازیکنانش و در نهایت آمادگی روحی آنان را برای دیدار مهم با آرژانتین بالا ببرد.

ادامه در صفحه ۲۴